

خُدعه و غَدْر در سیره نظامی و فرماندهی امام علی (ع)

سید رضا درویشی^۱

ابومسلم محمدی^۲

چکیده

خُدعه یا فریب به عنوان یکی از مهم‌ترین تدابیر عملیاتی، نقش حیاتی در سرنوشت پیکارهای بشری در طول تاریخ داشته است، همچنان که در نبردهای اسلام و حتی در جنگ‌های معاصر، مصادیق زیادی از به کارگیری آن ثبت شده است. امروزه خُدعه در جنگ، هم در سطح کلان یعنی در عرصه برنامه‌ریزی‌ها، استراتژی‌های هجوم و دفاع، فرماندهی و تاکتیک‌ها و هم در سطح خرد یعنی در رویارویی رزمنده مسلمان با دشمن در میدان نبرد قابل‌تعمیم است. یکی از موضوعات مهم و کاربردی حول محور فرمایش پیامبر اسلام (ص): «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ؛ جنگ فریب است» در سیره نظامی و فرماندهی امیرالمؤمنین (ع)، جواز یا عدم جواز استفاده از «خُدعه» و «غَدْر» در هنگام مواجهه و جنگ با دشمن می‌باشد. این پژوهش به لحاظ روش تحقیق، توصیفی و ماهیتاً کیفی و کاربردی است و تلاش گردید موارد مرتبط با موضوع از قرآن و روایات و منابع فقهی، تاریخی و تفسیری، استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین (ع) از خُدعه (فریب) تنها در جنگ با دشمنان بهره می‌بردند ولی هیچ‌گاه از غدر که به معنای نیرنگ و خیانت و تلاش در جهت شکست دشمن به هر وسیله ممکن است، استفاده نمی‌کردند. خُدعه و فریب در اسلام به جز در جنگ به عنوان چاره‌جویی و بکار بستن راهکارهایی برای غلبه بر دشمن جایز نیست و غدر و پیمان‌شکنی و خیانت و وفا ننمودن به عهد و پیمان در جنگ و غیر آن جایز نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: امیرالمؤمنین (ع)، خُدعه، غَدْر، سیره نظامی و فرماندهی

^۱ - استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام علی (ع) darvishi_reza4660@yahoo.com

^۲ - استادیار گروه ریاضی دانشگاه امام علی (ع) a.mohammadi30@gmail.com

مقدمه

رویکردهای جدید فرماندهی و رهبری به ارزش‌های انسانی و اخلاقی توجه روزافزونی یافته و سهم آن را در افزایش اثربخشی، بیش‌ازپیش مهم و تعیین‌کننده یافته‌اند. مواردی مانند صداقت و راست‌گویی، تعهد، وفاداری، تواضع، عدالت و مواردی از این قبیل که در دیدگاه اسلام مبانی اساسی در روابط رهبران و پیروان (در هر سطح) به شمار رفته و از آغاز ظهور اسلام، به‌وسیله پیامبر اسلام (ص) سپس امیرالمؤمنین (ع) موردتوجه اکید قرار گرفته و به شکل‌های گوناگون و متفاوت توصیه شده‌اند.

در فرماندهی و مدیریت جنگ‌ها، بهترین مرجع برای یافتن الگو و معیارهای مناسب، قطعاً سنت و سیره نظامی و فرماندهی پیامبر گرامی اسلام (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ قطعاً برای شما در (رفتار) رسول خدا (ص) سرمشقی نیکوست. (احزاب: ۲۱) سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) منبع ارزشمندی برای این منظور است زیرا سیره نظامی و فرماندهی آن بزرگان به دلیل داشتن مقام عصمت، خالی از خطا و لغزش است. همچنین امیرالمؤمنین (ع) خود تجارب گران‌قدری در زمینه فرماندهی در جنگ‌ها داشته‌اند؛ اما آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است علم لدنی آن حضرت می‌باشد که از امتیازات خاص همه معصومین (ع) می‌باشد.

خدعه یا فریب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تدابیر عملیاتی، نقش حیاتی در سرنوشت پیکارهای بشری در طول تاریخ داشته است. خدعه در جنگ، درواقع راهی است برای شکست دشمن و حيله‌ای است که با آن می‌توان بهترین ضربات را بدون نامردی، خیانت و پیمان‌شکنی و زیر پا گذاشتن اصول انسانی به دشمن وارد ساخت. درحالی‌که غدر در جنگ، درواقع استفاده از روش‌های غیرانسانی و غیراخلاقی برای غلبه بر دشمن است. ازجمله موارد غدر، وفا نکردن به پیمان و شکستن آن، کشتن بعد از امان دادن، حمله به دشمن در زمان آتش‌بس، آلوده کردن آب‌های آشامیدنی دشمن و یا مسموم کردن غذاهای آن‌ها می‌باشد (حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰).

در سیره نظامی و فرماندهی امیرالمؤمنین (ع) موضوعات بسیار متنوع و قابل‌توجهی وجود دارد که توجه عمیق و موشکافانه به این موضوعات می‌تواند بسیار مفید و راهگشا باشد. یکی از این موضوعات، بحث استفاده یا عدم استفاده از خدعه (فریب) و غدر (نیرنگ) است. با توجه به روایت نبی مکرم اسلام (ص) که فرمودند: «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ؛ جنگ فریب است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۲) و (ابن داود، ۱۴۲۲: ۲۳۶) آیا امیرالمؤمنین (ع) معتقد بود برای غلبه بر دشمن از هر روشی باید استفاده کرد و یا پایبندی به اخلاق و امور دینی سبب می‌شود یک انسان معتقد، از هر روش و وسیله‌ای نتواند برای شکست دشمن بهره ببرد؟

در جنگ‌های یونان باستان، اسب تروا^۱ نماد فریب در جنگ است، همچنان که در نبردهای اسلام و حتی در جنگ‌های معاصر، مصادیق زیادی از به‌کارگیری آن ثبت‌شده است، امروزه خدعه در جنگ، هم در سطح کلان یعنی در عرصه برنامه‌ریزی‌ها، استراتژی‌های هجوم و دفاع، فرماندهی و تاکتیک‌ها و هم در سطح خرد یعنی در رویارویی رزمنده مسلمان با دشمن در میدان نبرد قابل‌تعمیم است.

پیشینه تحقیق

معمولاً کسانی که در باب سیره نظامی و فرماندهی امیرالمؤمنین (ع) کتاب یا مقاله نوشته‌اند متوجه تفاوت خدعه و غدر نشده‌اند و حتی بعضاً دچار اشتباه شده و گمان کرده‌اند خدعه و فریب در سیره نظامی و فرماندهی آن حضرت وجود نداشته است. عدم توجه به تفاوت بین خدعه و غدر سبب شده این بحث در منابع، بسیار کم‌رنگ مطرح‌شده و یا اصلاً مطرح نگردد (حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵).

در مورد خدعه و غدر در سیره نظامی و جنگ‌های امیرالمؤمنین (ع) مطالعات بسیار محدودی در سطح نظامی صورت گرفته و تنها در منابع روایی، تفسیری و تاریخی در قالب و شکل وقایع‌نگاری به این موضوع اشاراتی شده که در این تحقیق به چند مورد از آن‌ها پرداخته‌شده است.

علامه مجلسی در کتاب «بحارالانوار» (۱۴۰۳ق)، ابن داود در اثر خود «سنن ابن داود» (۱۴۲۲ق) و حرّاملی در کتاب ارزشمند «وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» در قالب روایی و تاریخی (۱۳۸۶ش)، محمدحسن نجفی در کتاب وزین «جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام» (۱۳۷۶ش) از منظر قواعد فقهی و همچنین در صده اخیر مرحوم علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» (۱۳۶۳ش) از منظر تفسیر آیات قرآن کریم و شأن نزول آیات، به موضوع «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ؛ جنگ فریب است» پرداخته‌اند و اخیراً نیز حاجی‌زاده (۱۳۹۰ش) در مقاله خود به موضوع انجام خدعه و ترک غدر در سیره نظامی امام علی(ع) پرداخته است.

سؤالات و اهداف پژوهش

هدف ما در این پژوهش آشکارسازی موارد جواز خدعه و عدم وجود غدر در سیره نظامی و فرماندهی امیرالمؤمنین (ع) خصوصاً جنگ‌های آن حضرت می‌باشد. در این مقاله سعی شده است معنا و مفهوم دو واژه خدعه و غدر از نظر

^۱ - رویدادهای این داستان از عصر برنز روی داد، با بهره از حيله جنگی بود که در پایان یونانی‌ها توانستند به شهر تروا وارد شوند، یونانی‌ها پیکره ای عظیم از اسب ساختند تا مردانی منتخب را درونش پنهان کنند، تروایی‌ها اسب را به عنوان نشان پیروزی به داخل شهر بردند، آن شب نیروهای یونانی از اسب خارج شدند و دروازه های شهر را برای باقی ارتش یونان گشود و سپاه یونان با این ترفند و حيله به پیروزی رسید. Wikipedia

لغوی و اصطلاح، قرآن و روایات، مبانی فقهی، تاریخی و تفسیری و همچنین مصادیق آن در جنگ‌های آن حضرت بررسی و به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ داده شود.

۱- آیا امیرالمؤمنین (ع) به خدعه و غدر متوسل شده‌اند یا خیر؟

۲- با توجه به روایت «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ؛ جنگ فریب است.» ابتکار عملیاتی و توسل ایشان به خدعه در چه شرایط، زمان‌ها و مکان‌هایی بوده است؟

۳- دیدگاه فقهای عالیقدر شیعه در خصوص انجام خدعه و ترک غدر چیست؟

فرضیه پژوهش

۱- توسل به خدعه (فریب) و غدر (نیرنگ) مغایر با تعالیم انسان‌ساز اسلام است.

۲- امیرالمؤمنین (ع) همچون پیامبر گرامی اسلام (ص) تحت هیچ شرایطی متوسل به غدر نشدند و فقط در ابعاد نظامی و در جنگ با دشمنان، خدعه را مجاز دانسته‌اند.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ روش تحقیق توصیفی و ماهیتاً کیفی است لذا کوشش گردید با استفاده از قرآن و روایات و همچنین منابع فقهی، تاریخی و تفسیری دست‌اول، داده‌های مرتبط با موضوع را استخراج نموده و با بهره‌گیری از روش تحلیلی- توصیفی در یک بررسی جامع، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

مبانی نظری و یافته‌های تحقیق

تعریف خدعه و غدر

خدعه: به معنای مکر، فریب، حيله و فسون است (معین، ۱۳۷۶: ۱۴۰۲) و (لويس معلوف، ۱۳۶۲: ۲۲۸).

غدر: خیانت و پیمان‌شکنی است (لويس معلوف، ۱۳۶۲: ۷۶۴).

الخداع: یعنی وارد کردن دیگری به کاری غیر از آنچه او درصدد آن بوده و کاری را با فریب و نیرنگ برخلاف آنچه پوشیده داشته، آشکار کند.

خدع الضبّ: سوسمار در سوراخ پنهان شد، بکار بردن واژه خدع، درباره سوسمار برای این است که هر کس در سوراخ دست ببرد مانند عقرب دستش را می‌گزد از این‌رو پنداشته‌اند، عقرب است تا جایی که به‌صورت

ضرب‌المثل گفته‌اند: «العقرب بؤآب الضّب»؛ یعنی عقرب دربان و پرده‌دار سوسمار است و به جهت فریبکاری سوسمار به‌طور ضرب‌المثل می‌گویند: «أُخْدَعُ من ضّب» یعنی مکار تر از سوسمار.

طریق خَادِع و خَيْدَع: راهی گمراه‌کننده و بیراهه، گویی که مسافرین و رهروانش را فریب می‌دهد.

مَخْدَع: خانه‌ای در خانه دیگر یعنی تودرتو، گویی که سازنده آن خانه با این عمل خواسته کسی که قصد رسیدن به او را دارد فریب دهد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۸۵).

حرب خدعه است و خدعه هست فریب هست خدعه به تر ز جنگ و نهیب

الحرب خدعه: کارزارکردن، فریفتن است یعنی درکارزار مکر و حیلت نیک‌تر باشد تا قوّت و شجاعت (قضاعی، ۱۳۶۱: ۸).

الغدر: «ضد الوفاء: الإخلال بالشئ» و ترکه، عند الإباضیه^۱: هو أن يقتل بعد إعطاء الأمان» غدر: ضد وفا و وفاداری، اخلال در چیزی و ترک آن می‌باشد و نزد اباضیه عبارت است از قتل بعد از امان دادن (سعدی، ۱۴۰۸: ۲۷۲).

غدر: در کتاب «نهایه» عبارت است از حيله، در «مجمع و اقرب» بدترین حيله گفته شده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۲۴).

تفاوت خُدعه با غدر

خُدعه به معنای مکر و فریب و غدر به معنای خیانت و پیمان‌شکنی است و این دو با یکدیگر متفاوت هستند هرچند ممکن است در نگاهی کلی پیمان‌شکنی و خیانت یکی از مصادیق مکر و حيله شمرده شود ولی این دو عنوان موارد مشخص به خود دارند. کلمه «خدعه» در عربی مترادف کلمه «فریب» در فارسی است و در اصطلاح نظامی عبارت است از حيله و نیرنگ جنگی به‌منظور گمراه ساختن دشمن از قصد و طرح عملیاتی نیروهای خودی (رستمی، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

بدون شک بین «خدعه» که منحصرأ باید در جنگ استفاده شود و درواقع فریب دشمن است و «غدر» که خیانت، نیرنگ و نامردی است و در جنگ و غیر جنگ ممکن است استفاده شود، تفاوت بسیاری است. خدعه و فریب امری نسبی است و در جنگ‌ها به ما اجازه داده‌اند که برای فریب دشمن از این روش استفاده کنیم اما غدر و خیانت، نسبی نیست که در برخی شرایط مجاز و در شرایط دیگر، غیرمجاز باشد. غدر، نیرنگ و خیانت همواره محکوم

^۱ - اباضیه، یکی از فرقه‌های معتدل خوارج و پیروان عبدالله بن اباض مقاعسی تمیمی (متوفی ۸۶ ق) می‌باشد. مذهب رسمی کشور عمان، اباضی است.

است؛ چراکه دارای قبح ذاتی است، غدر در جنگ، درواقع استفاده از روش‌های غیرانسانی و غیراخلاقی برای غلبه بر دشمن است. ازجمله موارد غدر می‌توان به وفا نکردن به عهد و پیمان و شکستن آن، کشتن بعد از امان دادن، حمله به دشمن در زمان آتش‌بس، آلوده کردن آب‌های آشامیدنی دشمن و یا مسموم کردن غذاهای آن‌ها اشاره نمود (حاجی زاده، ۱۳۹۰: ۲۴).

خدعه و غدر در قرآن و روایات

«وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ» (انفال: ۶۲) هرگاه بخواهند تو را فریب دهند خدا برایایت کافی است. «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره: ۹) می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند، درحالی‌که جز خودشان را فریب نمی‌دهند ولی نمی‌فهمند.

باب مُفاعله اغلب برای بین الاثنین (بین دو طرف) است و گاهی برای تکثیر می‌آید به نظر می‌آید باب مُفاعله در آیه فوق برای کثرت باشد یعنی: منافقان شدیداً با خدا خدعه می‌کنند.

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (نساء: ۱۴۲) حقاً که منافقان خدا را فریب می‌دهند درحالی‌که خدا فریب‌دهنده آن‌ها است.

آیا می‌شود به خداوند نسبت مخادعه داد؟ آیا می‌شود گفت که خدا فریب می‌دهد؟ گوییم: این تعبیر و نظیر آن در قرآن بسیار است آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران: ۵۴) آن‌ها مکر کردند و خدا هم [در پاسخ به آن‌ها] مکر در میان آورد و خداوند ماهرترین مکر کنندگان است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۳۰).

مؤلف کتاب عیون اخبار به سند خود از حسن بن فضال روایت کرده که گفت: من از علی بن موسی‌الرضا (ع) از معنای جمله: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» پرسیدم فرمود: خدای تعالی متعالی‌تر و مبارک‌تر از آن است که خدعه کند ولیکن سزایی به خدعه کاران می‌دهد که سزای خدعه آنان باشد و در تفسیر عیاشی از مسعده بن زیاد از جعفر بن محمد (ع) و از پدرش (ع) روایت کرده که فرمود: شخصی از رسول خدا (ص) پرسید: نجات از عذاب فردای قیامت در چیست؟ فرمود: نجات این است که با خدای تعالی نیرنگ نکنید که او شما را نیرنگ کند، چون هر کس با خدای تعالی نیرنگ کند او نیز با وی نیرنگ می‌کند و ایمان را از دل او می‌برد، پس در حقیقت آن شخص به خودش نیرنگ می‌کند ولی نمی‌فهمد (علامه طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۹۷).

«وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا» (رعد: ۴۲) و پیش از آن‌ها نیز کسانی طرح‌ها و نقشه‌ها کشیدند، ولی تمام نقشه‌ها و تدبیرها از آن خداوند است.

«وَمَكْرُوا مَكْرًا وَ مَكْرُنَا مَكْرًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل: ۵۰) و نیرنگی طرح کردند و ما نیز نیرنگی تدبیر کردیم درحالی‌که خبر نداشتند.

«وَيَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال: ۳۰) و آن‌ها نیرنگ می‌کردند و خدا هم نیرنگ می‌کرد و خداوند از همه نیرنگ‌کنندگان ماهرتر است.

مکر ابتدایی مذموم و از صفات ناپسند است ولی مکر در مقابل مکر ممدوح و قابل ستایش است مثلاً کسی که می‌خواهد شخصی را خواب کند و پول او را سرقت کند این شخص متوجه شده جای پول را عوض می‌کند. تصمیم اولی مذموم و قبیح است ولی حیلۀ شخص دوم که درواقع چاره‌جویی در مقابل حیلۀ است ممدوح می‌باشد. آنچه در آیات فوق قابل دقت است، این است که مکر و مخادعۀ خدا در مقام ثانی (دوم) آمده باین‌حال مکر پسندیده است و مذموم نیست. خدا به کسی حیلۀ نمی‌کند و کسی را فریب نمی‌دهد، فریب دادن و حیلۀ کردن در اثر جهل و نقصان است و خدا از آن دو به دور است ولی کسی که از هدایت خدا اعراض می‌کند خود را مورد غضب خداوند قرار می‌دهد و گرفتار سخط حق تعالی می‌شود و این عبارت دیگر، مکر خدایی است. همچنان که در جای مرطوبی نشستن موجب درد پا و روماتیسم است همان‌طور شقاوت و بدبختی معلول بی‌اعتنایی به حق است و چون این علیّت و معلولیّت ساخته خدا و مخلوق خداوند است لذا می‌گوییم که خدا به او مکر کرد ولی واقع این است که به اثر قبیح عمل خود گرفتار شد در اثر حسابی که خدا قرار داده بود (قرشی، ۱۴۱۲؛ ۲۳۲).

غدر: ترک کردن، به ترک عهد نیز غدر گویند و از آن جهت گفته‌اند فلانی غادر (ناقض عهد) است (مفردات) «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (کهف: ۴۷) آن‌ها را در آخرت گرد آوریم و احدی را ترک نخواهیم کرد.

«مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا» (کهف: ۴۹) این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را وانگذاشته مگر آنکه آن را برشمرده است. این لفظ تنها دو بار در قرآن آمده است (قرشی، ۱۴۱۲؛ ۸۹).

در روایات اسلامی خدعه‌گری به‌عنوان یک تمایل ناروا باید مهار گردد و هیچ‌گاه در مناسبات متعارف و معمول با هم نوعان، مورد استفاده قرار نگیرد.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: همه دروغ‌ها بر فرزند آدم ثبت شود مگر سه دروغ، مرد در جنگ دروغ گوید که جنگ خدعه کردن است، مرد به همسرش دروغ گوید که او را خشنود کند و مرد با دو کس دروغ گوید که میانشان اصلاح دهد (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۱۲).

- در حدیثی بسیار آموزنده و انسان‌ساز پیامبر (ص) فرمود: «يَا كُمْ وَ الْخُدْعَةُ» از خدعه و مکر بر حذر باشید و دوری کنید.

- «أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ الْخُدَيْعَةِ إِنْ رَأَى حَسَنَةً دَفَنَهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً افْشَاهَا» به خداوند از نیرنگ فریبکار پناه می‌برم زیرا اگر خوبی بیند پنهان می‌کند و هرگاه بدی بیند افشاء می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۸۷).

- حضرت علی (ع) می‌فرماید: «يَا كَ وَ الْخُدَيْعَةَ فَإِنَّ الْخُدَيْعَةَ مِنْ خُلُقِ اللَّئِيمِ» بپرهیز از فریب دادن دیگران به‌درستی که فریبکاری خوی انسان پست مرتبه است (ابوالفتح آمدی، ۱۳۷۸: ۳۰۶).

- همچنین فرمود: «لَا دِينَ لِخُدَاعٍ» انسان خدعه‌گر در صراط دین نیست (ابوالفتح آمدی، ۱۳۷۸: ۳۹۳).

- امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر خدا (ص) چنین نقل می‌کند: «دروغ جایز نیست مگر در سه مورد: مرد به زنش، برای اصلاح بین دو نفر و فرمانده به دشمنش؛ همانا جنگ فریب است.» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۰۰).

- دروغ ناپسند است جز در مواردی از جمله در اجرای عملیات روانی علیه دشمن. در این صورت فرمانده با گفتن دروغ به دشمن و دادن اطلاعات غلط، او را می‌فریبید. «وَ كَذَبَ الْأَمَامُ عَدُوَّهُ فَإِنَّمَا الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۰۳).

- از اصولی که بستر ساز پیروزی در جنگ است، «اصل فریب» می‌باشد که فرماندهان مجاز به استفاده از آن می‌باشند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ» قطعاً جنگ فریب است. این بیان شاید به این معنا باشد که فریب دشمن جزئی از جنگ است (جمعی از محققان، ۱۴۲۸: ۱۱۴).

خدعه و غدر در فقه

فقه‌های عالیقدر شیعه از زمان علامه حلی تا به حال، به استناد روایات، باب خدعه را فقط در جنگ با دشمنان اسلام جایز شمرده و بر آن تصریح و حتی ادعای اجماع نموده‌اند. بنابراین، انحصار خدعه در جنگ به معنای این است که نمی‌توان آن را در مناسبات دیگر مورداستفاده قرار داد ولی غدر را امری حرام و مذموم در قبال دوست و دشمن می‌دانند. لذا «غدر» (برخلاف خدعه) منع شده است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۸).

از نظر فقهی این مسئله اجماعی است که خدعه در جنگ جایز است. علامه حلی در تذکره الفقها می‌نویسد: خدعه در جنگ جایز است و مبارز می‌تواند رقیب خویش را با توسل به خدعه فریب دهد و به قتل برساند و این مسئله اجماعی است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۲۳۷).

شیخ محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) پس از اشاره به عدم جواز غدر، خدعه در جنگ را جایز می‌داند و معتقد است: در کتاب‌های «تذکره» و «منتهی» بر این امر اجماع شده است (نجفی، ۱۳۷۶: ۷۹).

در ادامه صاحب جواهر می‌نویسد: غدر مانند به قتل رساندن دشمن بعد از امان به او، جایز نیست. این مسئله اجماعی است؛ چراکه در نصوص نیز نهی شده است. مضافاً به اینکه فی‌نفسه هم قبح دارد و باعث تنفیر و نفرت مردم از اسلام می‌شود (نجفی، ۱۳۷۶: ۷۸).

بنابراین با توجه به اینکه غدر در واقع خیانت و نیرنگ است و عملی قبیح و غیرانسانی شمرده می‌شود، در شریعت مقدس اسلام منع شده است.

خدعه و غدر در سیره امیرالمؤمنین (ع)

منابع تاریخی و سیره نظامی و فرماندهی امیرالمؤمنین (ع) حاکی از آن است که آن حضرت از خدعه به‌عنوان عاملی مؤثر در جنگ استفاده می‌کرده‌اند. شکی نیست که ایشان در نبردهای خویش علیه دشمنان از راهبرد خدعه بهره برده است، امام علی (ع) هم در شیوه عمل نظامی خود و هم به‌عنوان یک اصل مهم و کارساز در جنگ با اتکاء به حدیث نبوی: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» بر استفاده از این تدبیر نظامی تأکید داشتند. مسلمانان نیز با پیروی از اندیشه و سنت و سیره نبی مکرم (ص) در جنگ‌های خود از خدعه بهره می‌گرفتند. تاریخ پرافتخار صدر اسلام، مشحون از نمونه‌های بسیاری از به‌کارگیری فریب در جنگ‌ها است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- امیرمؤمنان علی (ع) براساس سیره رسول خدا (ص) جنگ را خدعه و فریب دشمن می‌دانست. آن حضرت در حدیثی می‌فرماید: در نبرد، بر حیل‌ها بیشتر از نیرو و توانت اعتماد کن (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۳۱۲).

۲- امیرالمؤمنین علی (ع) حدیث پیامبر اکرم (ص) را که به یاران خویش فرموده بود که: «غَيِّرُوا الشَّيْبَ وَلَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ»؛ پیری خود را (با خضاب) تغییر دهید و مانند یهودیان نشوید (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷)؛ یعنی سفیدی موها را با خضاب کردن تغییر دهید تا دشمن شما را پیر و ناتوان نپندارد.

ابن ابی‌الحدید به این مطلب اشاره کرده که آن حضرت این شیوه را مخصوص زمان پیغمبر (ص) می‌دانست و معتقد بود این دستور، تاکتیک جنگی بود که دشمن نگوید این‌ها یک عده پیر و سالخورده هستند؛ یک حیل جنگی بود

که رسول اکرم (ص) به کار می‌برد. ولی امروزه هر که بخواهد خضاب کند و هر که نخواست خضاب نکند. پیامبر (ص) صحابه را امر به خضاب کرد تا در دید دشمن جوان به نظر برسند و مشرکان در جنگ از آن‌ها بترسند؛ چراکه پیر بودن نشان ضعف است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

۳- از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است: به پیامبر (ص) اطلاع دادند که یهود بنی قریظه افرادی را پیش ابوسفیان فرستاده و به او گفته‌اند اگر به جنگ با محمد برخیزید، ما به یاری شما خواهیم شتافت. پیامبر (ص) نیز بعد از اطلاع، به منبر رفت و فرمود: یهود بنی قریظه افرادی را پیش من فرستاده و گفته‌اند اگر ما (مسلمانان) با ابوسفیان به جنگ برخاستیم، به یاری و کمک ما خواهند شتافت. این خبر وقتی به ابوسفیان رسید گفت: یهود به ما خیانت کرد. آنگاه امام علی (ع) فرمود: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۶).

۴- در روایتی دیگر از «سويد بن غفله» از امام علی (ع) روایت شده که آن حضرت فرمود: وقتی از رسول خدا (ص) برای شما حدیثی می‌خوانم، به خدا قسم اگر از آسمان به زیر افتم، نزد من محبوب‌تر است از اینکه بر او دروغ ببندم، زیرا جنگ خدعه است (علم الهدی، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

۵- امیرالمؤمنین (ع) خدعه را تنها مختص به میدان جنگ می‌دانست و معتقد بود در مرحله اول، برای پیروزی بر دشمن، باید از راهبرد خدعه استفاده کرد. اما در غیر جنگ، آن حضرت به هیچ عنوان حاضر نبود خدعه و فریبی به کار ببرد.

پس از اینکه امر حکومت به علی (ع) رسید، آن حضرت، معاویه را از حکومت شام عزل کرد. معاویه هم از بیعت با آن حضرت خودداری کرد. برخی پیشنهاد می‌کردند برای فریب هم که شده حضرت مدتی کاری به کار معاویه نداشته باشد، اما آن حضرت می‌فرمود: نه به خدا قسم حاضر نیستم معاویه را حتی برای دو روز ابقاء کنم. یکی از این افراد ابن‌عباس بود که به امام علی (ع) عرض کرد: «أما سمعت رسول الله يقول: الحرب خدعه! ...»؛ آیا نشنیده‌ای که رسول خدا فرمود: جنگ خدعه است؟ ایشان باز هم نپذیرفت و فرمود: ای ابن‌عباس من از خرده‌کاری‌های تو و خرده‌کاری‌های معاویه به دورم» یعنی من این روش فریب‌کاری را نمی‌پسندم (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۵۶).

این روایت تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین (ع) ابقاء موقتی معاویه را به حکومت شام به‌منظور عزل راحت‌تر او نیرنگ می‌دانست و علی‌رغم پیشنهاد ابن‌عباس که تصور می‌کرد این کار خدعه و مجاز است، آن را نپذیرفت.

۶- علی (ع) همچنین در شورای شش نفره ای که به وصیت عمر برای انتخاب خلیفه مسلمین برگزار شد، وقتی عبدالرحمن بن عوف به آن حضرت پیشنهاد کرد: حاضریم با شما بیعت کنم با این شرط که به سیره شیخین (علاوه

بر قرآن و سنت پیامبر(ص)) عمل کنی، علی (ع) نپذیرفت و حاضر نشد (هرچند با دروغ مصلحتی) خود را پایبند به سیره شیخین(ابوبکر و عمر) نشان دهد (طبری، ۱۹۶۱: ۲۳۳).

در واقع امیرالمؤمنین (ع) نخواست با خدعه و دروغ و فریب به حکومت دست یابد.

غدر از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)

از دیدگاه امام علی (ع) تنها پیروزی ظاهری بر دشمن به هر وسیله، هدف نیست. حضرت بارها به شدت از رفتار ناجوانمردانه و اباحه مطلق ابزارها در پرتو هدف هر چند مقدس، انتقاد کرده است. آن حضرت چون خویش را پایبند به امر و نهی الهی و رعایت اصول انسانی می‌داند، هرگز حاضر نیست از نیرنگ و دغل‌کاری برای پیشبرد اهداف خویش بهره ببرد.

- در سیره امام علی (ع) غدر و خیانت و نیرنگ مشاهده نمی‌شود همان‌گونه که «غدر و نیرنگ در سیره پیامبر اکرم (ص) ملغی است» (مطهری، ۱۳۸۳: ۷۶).

- امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «الغدر شیمه اللئام»؛ خیانت و غدر اخلاق انسان‌های پست است (ابوالفتح آمدی، ۱۳۷۸: ۲۲).

- «الغدر أقبح الخيانتين» نیرنگ از زشت‌ترین خیانت‌ها می‌باشد (همان: ۸۴).

- «الغالب بالشرّ مغلوب» کسی که با بدی پیروز شود، شکست خورده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷).

- طبق بیان ابن ابی‌الحدید، بسیاری از نظامیان و جنگ‌جویان از هر وسیله‌ای برای سرکوب دشمن و ضربه زدن به او بهره می‌برند. اگر بتوانند شبیخون بزنند، می‌زنند و اگر بتوانند سر همه افراد دشمن را در حال خواب با سنگ‌های گران بکوبند، می‌کوبند. نامه‌های جعلی و اختلاف‌انگیز میان سپاهیان دشمن پخش می‌کنند. اگر کسی همانند امام علی (ع) بخواهد فقط براساس آنچه در کتاب و سنت آمده است به تدبیر امور بپردازد، خود را از بسیاری از چاره‌اندیشی‌ها محروم کرده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

- در یک مورد حضرت با لحنی انتقادی و شدید پس از اشاره به زمانه خویش و اینکه بسیاری از مردم جاهل، حيله و نیرنگ را «زیرکی» و افراد دغل‌کار و نیرنگ‌باز را «اهل تدبیر» می‌خوانند، می‌فرماید: «چگونه فکر می‌کنند؟ خدا بکشد آنها را، چه بسا شخصی تمام پیش‌آمدهای آینده را می‌داند و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست.» (نهج البلاغه، خطبه ۴۱)

در این روایت امام علی (ع) با انتقاد از کسانی که تصور می‌کنند استفاده از حيله و نیرنگ، نشان از سیاست بالا و زیرکی و تدبیر است (ضمن اشاره به آگاهی از راه‌های مکر و نیرنگ و فریب)، پایبندی خویش به دستورهای دینی را، مانع دغل‌کاری و نیرنگ معرفی می‌کند.

- ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه به نقل از جاحظ می‌نویسد: «امام علی (ع) در جنگ‌های خود چیزی را جز آنچه موافق کتاب و سنت بود به کار نمی‌گرفت. اما معاویه، خلاف کتاب و سنت عمل می‌کرد و هر نوع مکر و فریبی را به کار می‌بست» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

- حضرت با توجه به این دیدگاه می‌فرماید: «به خدا قسم معاویه از من سیاست‌مدارتر نیست. ولی او اهل غدر و نیرنگ است اگر غدر و خیانت ناپسند نبود، من زیرک‌ترین مردم بودم لیکن هر غدري فسق و فجور است و هر فاسق و فاجری کافر است و برای هر غدرکننده‌ای علامتی است که روز قیامت بدان شناخته شود. به خدا قسم من از به کار بردن کید و مکر و فرو رفتن در سخت‌گیری و حيله‌گری غافل نیستم، لیکن، دین من اجازه نمی‌دهد.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۲۱۱)

علی (ع) پایبند به تقوا و پارسایی بود و به آنچه افراد دارای شیطنیت، حيله‌گر و نیرنگ‌باز انجام می‌دهند، بی‌اعتنا بود. در همان زمان برخی مطرح می‌کردند که حضرت علی (ع) نسبت به معاویه از توانایی‌های سیاسی و نظامی کمتری برخوردار است و معاویه سیاست‌مدارتر از امیرالمؤمنین علی (ع) است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰).

- آن حضرت حتی حاضر نشد در جنگ صفین با اینکه دشمن در ابتدا آب را بر لشکریانش بسته بودند، سپاهیان معاویه را از آب محروم سازد «و أرسل علیّ إلى أصحابه أن خلوا بینهم و بین الماء و لا تمنعوه من إیاءه» (منقری، ۱۳۷۰: ۱۶۲).

- علی (ع) در فرمانی به مالک اشتر نوشته است، به پیمان و امان خویش به دشمن وفادار باشد، خیانت نکن و نیرنگ نورز؛ چراکه وفای به عهد و پیمان یکی از اصول انسانی است که همه انسان‌ها در آن اتفاق نظر دارند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

- در جنگ صفین حادثه‌ای مشابه آنچه در حدیبیه رخ داده بود اتفاق افتاد. پس از امضای صلح نامه بین امام علی (ع) و معاویه، یکی از یاران امام (محرز بن جریش بن ضلیع) که صلح را موجب خواری و زبونی می‌دانست از آن حضرت می‌خواست که آن را نقض کند، با مخالفت جدی امام (ع) مواجه شد، حضرت به او فرمود: «بعد از کتبنا نه نقضه؟ هذا لا یجوز.» انتظار دارید پیمان خود را نقض و زیر پا گذاریم؟ این جایز نمی‌باشد (منقری، ۱۳۷۰: ۵۱۹).

- علاوه بر محرز دو نفر از سران خوارج نیز خواستار بسیج نیروها بر علیه معاویه بودند. امام علی (ع) پس از اشاره به نافرمانی آنان از دستور آن حضرت در جنگ، پیمانی که بسته شده بود را به آنان متذکر شدند و با اشاره به دستور الهی مبنی بر وفای به پیمان، با رأی و نظر آنان مخالفت کردند (طبری، ۱۹۶۱: ۷۲).

و حضرت این آیه از قرآن را تلاوت فرمود: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» و چون با خدا پیمان بستید، بدان وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آن ها نشکنید» (نحل: ۹۱)

در این روایت امیرالمؤمنین (ع) غدر را فسق و فجور و به تعبیری گناهی بزرگ شمرده است و اشاره کرده است که کسی که خود را پایبند به دین و اخلاق بداند، از این روش استفاده نمی‌کند. شکستن پیمان از نظر آن حضرت خیانت به حساب می‌آمد نه خدعه‌ی جنگی برای شکست دشمن. آنچه آن حضرت را از سیاستمداران دیگر جهان متمایز می‌کند این است که او از اصل غدر و خیانت در رسیدن به هدف پیروی نمی‌کند ولو به قیمت اینکه آنچه دارد و حتی خلافت از دستش برود؛ چراکه او خود را پاسدار اصول انسانی، پاسدار صداقت، پاسدار امانت، پاسدار وفا و پاسدار درستی می‌داند (مطهری، ۱۳۵۷: ۷۹).

بهره‌گیری امیرالمؤمنین (ع) از اصل فریب در جنگ

منابع تاریخی و سیره امیرالمؤمنین (ع) حاکی از آن است که آن حضرت از خدعه به‌عنوان عاملی مؤثر در جنگ استفاده می‌کرده‌اند. شکی نیست که ایشان در نبردهای خویش علیه دشمنان از تاکتیک خدعه بهره برده است، امیرالمؤمنین (ع) هم در شیوه عمل نظامی خود و هم به‌عنوان یک اصل مهم و کارساز در جنگ با اتکا به «إِنَّ الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» بر استفاده از این تدبیر نظامی تأکید داشتند. مسلمانان نیز با پیروی از اندیشه و سنت و سیره نبی مکرم (ص) در جنگ‌های خود از خدعه بهره می‌گرفتند. تاریخ پرافتخار صدر اسلام، مشحون از نمونه‌های بسیاری از به‌کارگیری فریب در جنگ‌ها است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- در دوره نبی مکرم اسلام (ص) و در جنگ خندق بر اساس برخی روایات، امام علی (ع)، عمرو بن عبدود را فریب داد در روایت آمده است که امام علی (ع) به عمرو گفت: «ای عمرو تو که از شجاعان عرب هستی، چرا از دیگران برای مبارزه با من کمک گرفته‌ای؟ عمرو به پشت سرش نگاه کرد، امام (ع) به سرعت، بر ساق پاهای او زد ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷).

در برخی روایات تاریخی نیز آمده است: علاوه بر عمرو بن عبدود، چند نفر دیگر هم به همراه عمرو، با اسبان خویش به این سوی خندق پریدند. در ابتدای همین روایت به عبور «هبیره بن وهب» و «ضرار بن خطاب» به همراه عمرو بن عبدود اشاره شده است. در برخی از نوشته‌ها به افراد دیگری نیز اشاره شده که به این سوی خندق آمدند از جمله عکرمه بن ابی‌جهل و مرداس فهری. بنابراین امام علی (ع) حتی برای فریب دشمن در اینجا به دروغ متوسل نشده است، بلکه برای فریب او سخنی راست گفته است. پس از کشته شدن عمرو، رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: «يَا عَلِيُّ مَا كَرْتَهُ قَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْحَرْبُ خَدِيعَةٌ» علی جان با او مکر کردی؟ عرض کرد: بله ای رسول خدا، جنگ خدعه است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۸).

اینکه رسول خدا (ص) به امیر المومنین (ع) اعتراضی در این خصوص نکرده است، خود نشان‌دهنده درستی این کار است.

۲- در غزوه بنی‌نضیر، حضرت علی (ع) با انجام کمین، موفق به قتل دشمن یهودی شده بود که تیری به خیمه رسول خدا (ص) زده بود و در مرحله بعد قصد داشت به همراه ۹ نفر دیگر به مسلمانان شیخون بزند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۹۲).

۳- در جنگ ذات سلاسل (سلسله) نیز حضرت علی (ع) به منظور گمراه ساختن دشمن، مسیری دیگر را برای رسیدن به آنها انتخاب کرد. در همین سربه به دستور حضرت، لشکر اسلام شب‌ها حرکت و روزها کمین می‌کردند و سرانجام دشمن درحالی که غافل گیر شده بود، مجبور به پذیرش شکست شد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۵).

۴- قومی بر امام حسین بن علی (ع) درآمدند و دیدند که آن جناب به رنگ سیاه خضاب کرده از سبب آن پرسیدند حضرت دست خود را به ریش خود کشید و آنگاه فرمود: رسول خدا (ص) در یکی از جنگ‌هایی که کرد دستور داد لشکریان به رنگ سیاه خضاب کنند تا در برابر مشرکین قوی شوند (علامه طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۷۱).

۵- در روایتی از عُدی بن حاتم نقل شده: در جنگ صفین امیر المومنین (ع) با صدای بلند فرمود: «وَاللَّهِ لَأَقْتُلَنَّ مُعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابَهُ»؛ به خدا قسم معاویه و یارانش را خواهم کشت. سپس در آخر سخنش آهسته گفت: «إِنْ شَاءَ اللَّهُ». من نزدیک ایشان بودم به حضرت عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! شما قسم خوردید. سپس از آن استثناء کردید! مقصودتان چه بود؟ چه هدفی داشتید؟ حضرت فرمود: «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ... جنگ خدعه (فریب) است، من دروغ‌گو نیستم. خواستم اصحاب خود را بر علیه آنها تحریک و تحریض کنم تا سست نشوند و خواستار حمله به آنها باشند. اما در عین حال کلمه «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» را گفتم تا دروغ هم نگفته باشم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۱۷).

نکته

- از منظر فقهی اگر کسی بر انجام کاری سوگند یاد کند و «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» بگوید و سپس به مضمون سوگند عمل نکند، قسم خود را شکسته است (نجفی، ۱۳۷۶: ۲۴۲).

- چنانچه کسی از انجام کاری خبر دهد و «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» بگوید سپس آن کار را انجام ندهد مرتکب دروغ نشده است (طبرسی، ۱۳۷۳: ۷۱۲).

- از سید مرتضی نقل شده که استثناء «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» در سوگندها و همه عقود اسلامی به معنای امضاء نکردن و نپذیرفتن لوازم آن است (طبرسی، ۱۳۷۳: ۳۵۹).

به عبارتی چنانچه امیرالمؤمنین (ع) بر قتل معاویه و یارانش سوگند یاد می کرد و این کار را انجام نمی دادند مرتکب معصیت شده و این مسأله مغایر با مقام عصمت، امامت و ولایت ایشان بود. نتیجه اینکه عملکرد ایشان به عنوان عملیات فریب بسیار هوشمندانه بوده است.

۶- در جنگ صفین بُسر بن اَراطات^۱ به میدان آمد و ساعتی جَوَلان داد و از ترس اینکه مبدا حضرت علی (ع) او را بشناسد، هیچ سخنی نمی گفت، علی (ع) «مخفیانه» جلو آمد و بر او حمله کرد و نیزه‌ای حواله او ساخت. بُسر از اسب بر روی زمین افتاد سپس با خواری میدان جنگ را ترک کرد» (منقروی، ۱۳۷۰: ۴۶۱).

۷- ابن اعثم کوفی می نویسد: مردی از لشکر شام چهار نفر از یاران علی (ع) را به شهادت رساند. مبارزین لشکر علی (ع) پس از کشته شدن نفر چهارم از مبارزه با او خودداری کردند. حضرت علی (ع) تغییر لباس داد و به میدان رفت. مرد شامی متوجه نشد حریف چه کسی است به آن حضرت حمله کرد و حضرت با شمشیر او را به دو نیم کرد... (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۱۲).

موارد یاد شده نشان می دهد امام علی (ع) در جنگ های خویش از روش خدعه و فریب استفاده کرده است و البته تلاش حضرت در این جهت است که به منظور فریب دشمن، متوسل به دروغ نیز نشود.

حرمت غدر و خیانت در جنگ

۱- تبیین خیانت و غدر دشمنان توسط فرمانده برای رزمندگان اسلام

هرگاه دشمنان اسلام، در جنگ به غدر و خیانت روی آوردند، بر فرمانده است که آن را برای نیروهای اسلام بیان کند. امام علی (ع) می فرماید: «فَقَتَلُوا طَائِفَةً صَبْرًا وَ طَائِفَةً غَدْرًا» طلحه و زبیر با کارگزار آن حضرت در بصره پیمان صلح امضاء کردند ولی آن را شکستند و عده ای را باکمال بی رحمی و شقاوت (قتل صبر، قتل با شکنجه) کشتند (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۶۸).

۲- پای بندی به پیمان ها و عدم جواز غدر با دشمنان

غدر یعنی خیانت، پیمان شکنی و نارو زدن که بار منفی و ضد ارزشی دارد. برخلاف خدعه و فریب دشمن، که در جنگ جایز است. حضرت علی (ع) می فرماید: «لَا تَغْدِرُوا» خیانت نکنید؛ در مسیر جنگ با دشمن غدر نکنید و پیمان های خود و نظام اسلامی با دشمن را محترم بدانید.

۳- ممنوع بودن غدر (خیانت و پیمان شکنی) و کمک به پیمان شکنان

^۱ - بُسر همانند عمرو عاص با کشف عورت خویش، موفق به فرار شد. معاویه از آن حالت می خندید، چون بُسر پیش او رسید، گفت: «سهل باشد ای بُسر! (ناراحت نباش) مبارزان من بیشتر این چنین هستند که جان از دست علی (ع) به کشف عورت می برند.» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۰۵).

صاحب جواهر روایت دیگری را از امام صادق (ع) نقل می‌کند. در این روایت، سائل از امام (ع) می‌پرسد: اگر دو گروه از اهل حرب که هر کدام حاکم جداگانه‌ای دارند، به جنگ بپردازند سپس صلح کنند بعد یکی از حاکمان نسبت به دیگری غدر کند، یعنی مثلاً نزد مسلمانان بیاید و بخواهد با آن‌ها پیمان ببندد که با رقیبش به جنگ بپردازند، حکم این مسئله چیست؟ حضرت فرمودند: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَغْدِرُوا وَ لَا يَأْمُرُوا بِالْغَدْرِ وَ لَا يُقَاتِلُوا مَعَ الَّذِينَ غَدَرُوا» برای مسلمانان غدر و امر به غدر، هم‌چنین همکاری در جنگ با کسانی که غدر کرده‌اند، جایز نیست (نجفی، ۱۳۷۶: ۱۷).

بنابراین مسلمانان و ارتش اسلام حق ندارند به ارتش خیانت‌کار و پیمان‌شکن کمک کنند و خود نیز نباید در جنگ و صلح راه خیانت و عهدشکنی را حتی نسبت به مشرکان پیش گیرند.

۴- استفاده نکردن از غدر و خیانت در پیروزی بر دشمن

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَدْهَى النَّاسِ» اگر خیانت و غدر و پیمان‌شکنی زشت نبود و گناه شمرده نمی‌شد، من از زیرک‌ترین مردم بودم.

آن حضرت مایل نبودند به هر وسیله‌ای شده بر دشمن پیروز شوند و این کار را به علت زشتی آن انجام نمی‌دادند البته غدر و خیانت با فریب تفاوت می‌کند. فریب دشمن، از اصول جنگ و جایز است (جمعی از محققان، ۱۴۲۸: ۱۸۸).

۵- اموری که در جنگ حرام است

اول: در چهار ماه حرام قتال کردن و آن رجب و ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم است و به این سبب این چهار ماه را ماه‌های حرام می‌گویند و جهاد کردن در این ماه‌ها با جماعتی که حرمت این ماه‌ها را بدانند و با مسلمانان جنگ نکنند به اجماع حرام است و اما با جمعی که حرمت این ماه‌ها را ندانند و با مسلمانان جنگ کنند جنگ کردن با ایشان در این ماه‌ها حرام نیست.

دوم: جنگیدن و مبارزه نمودن با منع امام معصوم (ع) ممنوع می‌باشد.

سوم: گریختن از جنگ با دشمنانی که دو برابر مسلمانان باشند اگرچه گمانش باشد که کشته می‌شود بعد از آن که صف‌ها راست شده باشند مگر آن که قصد داشته باشد که با دشمنان حيله کند مثل آن که پشت به آفتاب نماید یا بر بلندی برآید که خود را به‌جاهایی که آب داشته باشد رساند یا پشت به کوه دهد یا در گریختن غرضش آن باشد که به جماعتی دیگر از مسلمانان ملحق شود و اگر دشمنان بیش از دو برابر باشند به اجماع فقها ایستادن واجب نیست اما اگر گمان فتح داشته باشد در این صورت جهاد سنت (دفاع) است.

چهارم: کشتن زنان کفار اگرچه معاونت کفار کنند و هم‌چنین کشتن اطفال و دیوانه‌های ایشان حرام است.

پنجم: کشتن پیرمردان ایشان که از جنگ کردن و تدبیر نمودن ایشان مأیوس باشند اما کشتن بندگان ایشان هرگاه جنگ کنند لازم است.

ششم: بریدن گوش و بینی دشمنان ممنوع است.

هفتم: غدر کردن با ایشان یعنی کشتن ایشان بعد از آن که امام (ع) ایشان را امان داده باشد.

هشتم: غلول کردن یعنی چیزی از غنیمت را پنهان کردن.

نهم: جنگ کردن با کفار بعد از صلح.

دهم: زهر در آب ایشان ریختن هرگاه به غیر آن ممکن باشد و بعضی از مجتهدین آن را مکروه می‌دانند و بعضی معتقدند که اگر گمانش آن باشد که در آن دیار مسلمانی هست حرام است (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

از این روایات استفاده می‌شود که هرگونه غدر و عملی که خلاف مروت و مردانگی و خیانت علیه دوست و دشمن صورت گیرد، در اسلام حرام، مذموم و ناپسند است.

نتیجه‌گیری

در نگاه اول بسیاری از مردم عقیده دارند که خدعه و نیرنگ اموری غیرشرعی، غیرانسانی و حتی غیراخلاقی هستند، به همین دلیل توسل به خدعه و نیرنگ در روابط اجتماعی با مردم و هم در جنگ‌ها و پیکارها امری مذموم، زشت و ناپسند می‌باشند. خدعه به معنای مکر و فریب و غدر به معنای خیانت و پیمان‌شکنی است و این دو با یکدیگر متفاوت هستند هرچند ممکن است در نگاهی کلی پیمان‌شکنی و خیانت یکی از مصادیق مکر و حيله شمرده شود ولی این دو عنوان موارد مشخص به خود دارند.

۱- بررسی‌ها نشان می‌دهد که معصومان (ع) از خدعه به‌عنوان عاملی برای پیروزی بر دشمنان استفاده می‌کرده‌اند، شکی نیست که امیرمؤمنان علی (ع) در نبردهای خویش علیه دشمنان از تاکتیک خدعه بهره برده است، آن حضرت هم در سیره نظامی خود و هم به‌عنوان یک فرمانده نظامی در جنگ، با بیان صریح «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ» یعنی جنگ فریب است؛ بر استفاده از این تدبیر نظامی تأکید داشتند.

۲- البته در اسلام به‌کارگیری خدعه و فریب در جامعه اسلامی و در مناسبات و روابط اجتماعی جایز نیست و تنها در جنگ مجاز شمرده شده است و این منافاتی با جایز نبودن غدر ندارد زیرا غدر به معنای خیانت و پیمان‌شکنی است و اسلام اجازه پیمان‌شکنی و خیانت را مگر در صورت شکسته شدن پیمان توسط طرف مقابل یا رعایت نکردن مقررات و شرایط مربوط به آن را نمی‌دهد؛ بنابراین خدعه و فریب در اسلام به‌جز در جنگ به‌عنوان

چاره‌جویی و بکار بستن راهکارهایی برای غلبه بر دشمن و جلوگیری از شکست جبهه اسلام، جایز نیست و غدر و پیمان‌شکنی و خیانت و وفا نمودن به عهد و پیمان در جنگ و غیر آن جایز نمی‌باشد.

۳- فقهای شیعه از متأخرین تا متقدمین، به استناد روایات و سیره نظامی و فرماندهی امیرالمؤمنین (ع)، باب خدعه را فقط در جنگ با دشمنان اسلام جایز شمرده و بر آن تصریح و حتی ادعای اجماع نموده‌اند و انحصار خدعه در جنگ به معنای این است که نمی‌توان آن را در مناسبات دیگر مورد استفاده قرار داد ولی «غدر» را امری حرام و مذموم در قبال دوست و دشمن می‌دانند؛ بنابراین با توجه به اینکه «غدر» درواقع خیانت و نیرنگ است و عملی قبیح و غیرانسانی شمرده می‌شود، در شریعت مقدس اسلام منع شده است.

باین حال در عصر حاضر، فرماندهان شایسته و مکتبی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با پیروی از اندیشه و سیره نظامی و فرماندهی امیرالمؤمنین (ع)، می‌توانند در شرایط مقتضی در دفاع از کیان اسلامی و تمامیت ارضی این آب‌و خاک و همچنین کشورهای مسلمان، در جنگ‌های خود علیه دشمنان اسلام از خدعه و عملیات فریب به انحاء و اشکال مختلف بهره گیرند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه: ابوالفضل بهرام پور (۱۳۸۶ش) تهران: انتشارات آوای قرآن.
- نهج‌البلاغه، ترجمه: محمد دشتی (۱۳۷۹ش) قم: انتشارات پارسایان چاپ اسوه.
- ابن ابی الحدید، فخرالدین (۱۳۸۵ق) شرح نهج‌البلاغه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق) الفتوح، تصحیح: علی شیری، ترجمه: محمد مستوفی هروی، بیروت: انتشارات دار الاضواء.
- ابن داود، سلیمان سجستانی (۱۴۲۲ق) سنن ابن داود، بیروت: داراحیاء السنّه النبویه.
- ابوالفتح آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۷۸ش) غررالحکم و درر الکلم؛ ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، مجموعه کلمات قصار امام علی (ع)، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش) نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: چاپ چهارم.
- جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی (۱۴۲۸ق) جهاد در آینه روایات، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- حاجی‌زاده، یداله (۱۳۹۰ش) انجام خدعه و ترک غدر در سیره نظامی امام علی (ع)، فصل‌نامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۵.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶ش) وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حلی (علّامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق) تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش) مفردات الفاظ قرآن، تهران: المکتبه المرتضویه لا احیاء آثار الجعفریه.
- رستمی، محمود (۱۳۸۶ش) فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران: انتشارات ایران سبز.
- سعدی، ابو جیب (۱۴۰۸ق) القاموس الفقهی لغه و اصطلاحات، دمشق: دارالفکر.

- طباطبایی، علّامه سید محمدحسین (۱۳۶۳ش) تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، میرزا حسین نوری (۱۴۰۸ق) مستدرک الوسائل، بیروت: موسسه آل البيت (ع).
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ش) مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۱ق) تاریخ طبری، قاهره: دارالمعارف بمصر.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۳۷۶ش) تنزیه الانبیاء و الائمّه، قم: انتشارات شریف رضی.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۴۱۲ق) قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱ش) شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، تهران: چاپ اول.
- مجلسی (علّامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق) بحارالانوار، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق) مَروُجُ الذَّهَب و معادن الجَوهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳ش) سیری در سیره نبوی، تهران: موسسه انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷ش) فقه و حقوق (مجموعه آثار) ۳جلد، قم: انتشارات صدرا.
- معلوف، لویس (۱۳۶۲ش) المنجد فی اللّغه و الاعلام، ترجمه: مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- معین، محمد (۱۳۷۶ش) فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مفید(شیخ)، محمّد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (۱۴۱۳ق) الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۷۰ش) وقعه صفین، ترجمه: پرویز اتابکی، تحقیق و تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۷۶ش) جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

Deception and Treachery in the Military Conduct and Leadership of Imam Ali (AS)

Seyyed Reza Darvishi¹, Abumoslem Mohammadi²

Abstract

Deception has played a vital role in the fate of human endeavors throughout history as one of the most important operational tactics. Numerous instances of its application have been recorded in Islamic battles and even in contemporary wars. Today, deception in warfare can be applied both at a macro level such as in planning, offensive and defensive strategies, command, and tactics and at a micro level, namely in the direct confrontation of a Muslim fighter with the enemy on the battlefield. One of the significant and practical topics surrounding the saying of the Prophet of Islam (PBUH): “Indeed, war is deception,” is the permissibility or impermissibility of using “deception” and “treachery” when confronting and waging war against the enemy in the military conduct of Amir al-Mu'minin (AS). This research is descriptive in methodology and qualitatively and practically oriented, aiming to extract and analyze relevant topics from the Quran, Hadith, and sources of jurisprudence, history, and exegesis. The findings indicate that Amir al-Mu'minin (AS) used deception only in warfare against enemies but never resorted to treachery, which implies cunning and betrayal aimed at defeating the enemy by any means possible. Apart from warfare, deception in Islam is not permissible as a means of overcoming the enemy, and treachery, breach of trust, betrayal, and failure to uphold oaths and agreements, both in war and outside of it, is not allowed.

Keywords: Amir al-Mu'minin (AS), Deception, Treachery, Military Conduct and Leadership

¹ darvishi_reza4660@yahoo.com

² a.mohammadi30@gmail.com